

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان پژوهش و فناوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بیاباری از خداوند سبحان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ماد انجمن و اعضاء هیات علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی به نظر قرار داده و از آن تحفظی نکنیم:

- ۱- اصل برات: التزام بر برات جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکارگران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم با حرمت با دیگران و انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکارگران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه الهیات

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: فقه و مبانی حقوق

عنوان:

بررسی فقهی حقوقی ازدواج سرپرست خانواده با فرزند خوانده
در مذاهب پنج گانه اسلامی

استاد راهنما:

دکتر هادی عظیمی گرکانی

نگارنده:

سعدا نصیری

تابستان ۱۳۹۴

تقدیم به:

خانواده عزیزم که همراهم بوده اند و یاریم کرده اند

و خواهران عزیزم که همیشه مشوق، راهنما و یاورم در فراز و نشیب های زندگی بودند

تشکر

ضمن سپاس و ستایش از خداوند متعال، وظیفه خود می دانم از همه بزرگانی که مرا در تدوین این رساله یاری نمودند، تشکر نمایم.

بخصوص از استاد گرانمایه جناب آقای دکتر هادی عظیمی گرکانی که در جایگاه استاد راهنما مرا در به ثمر رساندن این پایان نامه یاری نمودند، سپاسگزاری می نمایم.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب سعدا نصیری دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۹۲۰۰۷۲۲۰۳ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در تاریخ ۹۴/۶/۲۴ از پایان نامه خود تحت عنوان **بررسی فقهی و حقوقی ازدواج سرپرست با فرزند خوانده در مذاهب پنج گانه اسلامی** با کسب نمره ۱۷/۵ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق رویه‌های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده‌ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: سعدا نصیری

تاریخ و امضاء

۹۴ / ۷ / ۱۴



بِسْمِ تَعَالَى

در تاریخ: ۱۳۹۴/۶/۲۴

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم سعدا نصیری از پایان نامه خود دفاع نموده
و با نمره ۱۷ به حروف **صدت** و با درجه مورد
تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

دکترهادی عظیمی گرکانی

فهرست مطالب

چکیده

۲	مقدمه
۲	بیان مساله تحقیق
۵	اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن
۷	هدفهای تحقیق
۷	سوالات یا فرضیه های تحقیق
۷	چهارچوب نظری تحقیق :
۹	جنبه جدید و نوآوری بودن:
۹	روش تحقیق
۱۰	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۱۰	متغیرها و واژه های کلیدی

فصل اول : کلیات

۱۲	گفتار اول : شرایط فرزندخوانده
۱۲	گفتار دوم - مفهوم فرزندخواندگی
۱۵	گفتار سوم - شرایط پدرخوانده و مادرخوانده:
۱۷	گفتار چهارم - مسائل مالی مربوط به فرزندخواندگی
۲۰	گفتار پنجم : فرزندخواندگی بین المللی
۲۳	گفتار ششم :فرزندخواندگی مدرن
۲۴	گفتار هفتم :دعوی فسخ و انحلال فرزندخواندگی
۲۵	گفتار هشتم : دعوی فرزندخواندگی در حقوق ایران
۳۰	گفتار نهم - (ماده ۲۷) اجازه ازدواج سرپرست با فرزند خوانده

فصل دوم : بررسی ازدواج فرزند خوانده با سرپرست از نظر فقه امامیه

- گفتار اول : مشروعیت ازدواج فرزندخوانده با فرزندپذیر ۳۳
- بند اول : قرآن ۳۳
- بند دوم : روایات ۴۵
- بند سوم : فتاوی فقها ۴۶
- گفتار دوم : جایگاه تکفل کودکان بی سرپرست در اسلام ۵۷
- گفتار سوم : امکان تغییر حکم اولیه با توجه به شرایط زمانی ۶۳

فصل سوم : «فرزندخواندگی و ازدواج با آن در مذاهب چهارگانه اهل تسنن»

- گفتار اول : فرزند خواندگی در میان اهل سنت ۶۶
- بند اول : معنای فرزندخواندگی ۶۶
- گفتار دوم : سابقه بحث: ۶۷
- بند اول : قبل از ظهور اسلام ۶۷
- بند دوم : بعد از ظهور اسلام ۶۷
- بند سوم : بعد از نسخ حکم فرزندخواندگی ۶۸
- گفتار سوم : نظرات فقهی ۶۸
- بند اول : شافعی ۶۸
- بند دوم : فقه حنبلی ۶۹
- بند سوم : فقه حنفی ۷۰
- بند چهارم : فقه مالکی ۷۰
- نتیجه گیری ۷۲
- منابع و مآخذ ۷۶
- منابع فارسی : ۷۶
- منابع عربی : ۸۱
- مقاله : ۸۳

چکیده

این تحقیق به مساله ازدواج سرپرست خانواده با فرزند خانواده از دیدگاه مذاهب پنج گانه اسلامی پرداخته است. و اینکه آیا این ازدواج مجاز و شرعی است یا خیر. برای تدوین چهارچوب نظری از روش اسنادی کتابخانه ای استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که از نظر فقهای امامیه ، ازدواج با فرزندخوانده براساس مصالحی تجویز شده که چه بسا اگر تجویز نمی شد مفاسدی را در پی داشت. اما این تجویز به معنای بی توجهی به ارزش های اخلاقی حاکم بر جامعه نیست و باید به این ارزش ها توجه شود. بر همین اساس، برای جلوگیری از آسیب های روحی و اجتماعی که ممکن است متوجه فرزندخوانده شود، در صورتی که وی به حد بلوغ و رشد نرسیده، اذن حاکم شرع و احراز غبطه و مصلحت در چنین ازدواج هایی شرط شده است. به این معنا که حاکم شرع (قاضی دادگاه) برای تجویز چنین ازدواجی باید با توجه به ویژگی های شخصی و همچنین شرایط اجتماعی فرزندخوانده اطمینان پیدا کند که چنین ازدواجی به مصلحت اوست و ازدواج بهتری در آینده نخواهد داشت. بنا بر نظری فقهای اهل سنت ازدواج فرزند خوانده و سرپرستان او اصلاً مانع قانونی ندارد و عدم منع و رد قانونگذار و سکوت وی در مقام بیان ضمنی تجویز ازدواج سرپرست و فرزندخوانده با یکدیگر می باشد. و در فقه امامیه هیچگاه ازدواج فرزندخوانده و سرپرست باهم ممنوع نبوده است

کلمات کلیدی : فرزند خواندگی ، ازدواج ، سرپرست ، مذاهب پنج گانه ، فقه امامیه ، قانون ،

مقدمه

هر ساله تعداد زیادی از کودکان، به دلایل مختلف والدین خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر بسیاری از زوجین از نعمت فرزند محروم بوده و مایل به تحت سرپرستی قراردادن کودکان بی‌سرپرست هستند. فرزند خواندگی یکی از مباحثی است که به واسطه افزایش میزان ناباوری زوج‌ها و بی‌سرپرستی کودکان که خواه به منظور کمک به آنان و خواه در جهت رفع نیازهای معنوی پدران و مادرانی که به دو دلیل فاقد فرزند هستند از دیرباز در جوامع بشری معمول و مرسوم بوده است از این رو پذیرفتن فردی که فرزند واقعی و طبیعی زوجین محسوب نمی‌گردد، تحت عنوان فرزند خواندگی در جوامع گوناگون از سابقه طولانی برخوردار بوده است و شرایط و آثار متفاوتی دارد. از این رو، پذیرفتن فردی که فرزند واقعی و طبیعی زوجین محسوب نمی‌گردد، تحت عنوان فرزند خواندگی در جوامع گوناگون از سابقه ای طولانی برخوردار است و در زمان‌ها و نظام‌های مختلف حقوقی، شرایط و آثار متفاوتی دارد. لذا پرداختن به این موضوع و بررسی قوانین حاکم برای انتظام بخشی این روابط از اهمیت برخوردار است. در اسلام بر طبق آیات ۳ و ۴ سوره احزاب برخی از آثار فرزندخواندگی منع شده است و حتی پیامبر جهت اعلام این موضوع که فرزند خوانده، فرزند واقعی نیست و همه آثار فرزند خونی را ندارد، با همسر سابق فرزند خوانده خود، ازدواج نمود. با این حال در اسلام به کودکان بی‌سرپرست و یتیم توجه زیادی شده و توصیه‌های زیادی در این رابطه شده است. در فقه از این کودکان تحت عنوان لقیط بحث شده است که آثار و احکام خاص خود را دارا می‌باشد. با این وصف در این نوشتار، اصلاح قوانین موجود در حمایت از کودکان بی‌سرپرست با بهره‌مندی از حقوق تطبیقی مورد توجه قرار گرفته است.

بیان مساله تحقیق

پذیرش کودکان بی‌سرپرست و یتیمان به فرزند، خواه به منظور کمک به آنان و خواه در جهت رفع نیازهای معنوی پدران و مادرانی که به هر دلیل فاقد فرزند هستند، از دیر باز در جوامع بشری معمول و

مرسوم بوده است. باین حال به دلیل حساسیت زیادی که فرزند خواندگی دارد و دقت نظری که به انتخاب والدین مناسب و چگونگی ارتباطات بین فردی آنان از یک سو در رعایت حقوق فرزندان به عنوان اصل اساسی از تامین آتیه آنان وجود دارد، روند اجرایی آن را با مشکلات گریز ناپذیری مواجه می سازد.

در نظام فقهی و حقوقی اسلام، نَسَب تنها از راه ولادت شرعی ثابت می شود و فرزندخواندگی موجب جریان آثار فقهی و حقوقی فرزند بودن از جمله استحقاق ارث و حرمت نکاح بین فرزندخوانده با پدرخوانده و مادرخوانده نیست. مردم در زمان جاهلیت و صدر اسلام، فرزندخوانده را در حکم فرزند واقعی می دانسته و آثار آن را جاری می کردند و ازدواج پدرخوانده یا مادرخوانده با فرزندخوانده وجود نداشته است. شریعت اسلام نهاد فرزندخواندگی را با آن توسعه و شمول به رسمیت نشناخته و با صراحت گفته است که پسرخوانده‌ها پسر واقعی نیستند. پیامبر اکرم (ص) به دستور خداوند با زینب بنت جحش همسر زید بن حارثه (پسرخوانده پیامبر) ازدواج کرد تا به مردم بفهماند که زن پسرخوانده در حکم زن پسر نیست که نشود با او ازدواج کرد (احزاب، ۳۳). محرمیت و حرمت دائمی بین فرزندخوانده و والدین ادعایی، به طور معمول از طریق رضاع (شیردادن) یا عقد محرمیت با شرایط خاصی امکان پذیر می گردد. به عنوان مثال اگر فرزندخوانده، دختر باشد برای محرمیت او با پدرخوانده، می توان آن دختر را برای مدتی کوتاه به عقد موقت پدر پدرخوانده درآورد تا آن دختر در حکم زن پدر پدرخوانده شود و در نتیجه برای همیشه به او، برادران، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌هایش محرم گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۰۰).

ولی و قیم کودکانی که سرپرست شرعی (پدر و جد پدری) ندارند، حاکم شرع است که نسبت به همه امور آنان همچون ازدواج رسیدگی می کند، و در صورتی اجازه چنین ازدواجی را خواهد داد که مصلحت و غبطه فرزند را احراز کند. بنابراین پدرخوانده به هیچ وجه نمی تواند به صرف صلاح دید و تشخیص خود

و بدون اذن پدر، جد پدری و یا حاکم شرع، با فرزندخوانده‌ای که هنوز به سن بلوغ و رشد نرسیده ازدواج کند(نجفی، ۱۳۷۸، ۱۸۸).

اما اگر فرزندخوانده به حد بلوغ و رشد رسیده و می‌تواند مصلحت خود را در ازدواج تشخیص دهد، اگر پدر یا جد پدری او معلومند، طبق دیدگاه اکثر فقها اذن آنها در ازدواج وی شرط است. رشد در باب نکاح به این معناست که فرد بتواند مصالح و مفاسد مربوط به خودش را در امور مالی و غیرمالی تشخیص دهد، و از صلاحیت کافی برای انتخاب همسر برخوردار باشد؛ به این معنا که توانایی درک مسائل عرفی و تشخیص مصالح و مفاسد فردی و اجتماعی خویش را داشته باشد، به گونه‌ای که از نظر عرف، احتمال فریب خوردن و رفتار ناشیانه او بسیار ضعیف باشد. بنابراین تبصره ماده ۲۶ قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست» با فقه سازگار نیست؛ زیرا ازدواج با فرزندخوانده را به‌طور کلی حتی پس از دوره حضانت که به حد بلوغ و رشد رسیده منوط به تجویز دادگاه کرده است. شایان ذکر است که برخی از محققین ازدواج با فرزندخوانده را مکروه دانسته و در مقام استدلال، به روایاتی تمسک کرده‌اند که در آنها از ازدواج شخص با قابله‌اش منع شده خصوصاً در جایی که قابله، تربیت او را نیز به عهده داشته است که فقها این روایات را حمل بر کراهت کرده‌اند. استدلال به این روایات برای کراهت ازدواج فرزندخوانده با پدرخوانده یا مادرخوانده در نگاه اولیه از باب قیاس بوده که در فقه امامیه باطل است، مگر از باب تنقیح مناط، به این معنا که بتوان با مراجعه به متون دینی و سایر قرائن، علت قطعی کراهت ازدواج با قابله را کشف کرد آنگاه وجود چنین علتی را در ازدواج با فرزند خوانده نیز احراز کرد سپس حکم کراهت را به این مورد سرایت داد. البته چنین ادعایی در جای خود نیاز به بحث و بررسی بیشتر دارد (حر عاملی، ۱۳۸۸: ۵۰۵). اکنون با توجه به پیش درآمد فوق در نظر داریم به بررسی بیشتر پیرامون فرزندخواندگی در اسلام و نظریات فقه در این خصوص پرداخته و با عنایت به سفارشات اسلام در نگهداری و سرپرستی کودکان از یک طرف و وجود آیات و احادیث در زمینه نسخ فرزند خواندگی در اسلام از طرف دیگر، دیدگاه فقه در این موضوع را از زوایای مختلف مورد توجه و

ارزیابی قرار دهیم. با توجه به مطالب مطرح شده در این پژوهش در پی بررسی فقهی حقوقی ازدواج سرپرست خانواده با فرزند خوانده در مذاهب پنج گانه اسلامی بوده و مساله ازدواج سرپرست خانواده با فرزند خوانده در این مذاهب چگونه است؟

اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن

توجه به عرف و اوضاع متغیر جامعه و ارزش‌های حاکم بر یک اجتماع در جریان احکامی که از سوی خداوند، ضرورت یا رجحانی بر انجام یا ترک آنها نرسیده است، اهمیت بسیاری دارد. بنابراین چه بسا احکامی از نظر فقهی، مباح و مجازند، ولی در عرف یک جامعه از نظر اخلاقی ناپسند شمرده می‌شوند. به‌عنوان نمونه، ازدواج با تفاوت سنی زیاد بین زوجین از نظر فقهی مانعی ندارد و جایز است، اما در عرف امروز برخلاف عرف‌های گذشته، چنین عملی ناپسند شمرده می‌شود. بنابراین از نگاه فقهی، ازدواج با فرزندخوانده براساس مصالحی تجویز شده که چه بسا اگر تجویز نمی‌شد مفسدی را در پی داشت. اما این تجویز به‌معنای بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه نیست و باید به این ارزش‌ها توجه شود. برهمین اساس، برای جلوگیری از آسیب‌های روحی و اجتماعی که ممکن است متوجه فرزندخوانده شود، در صورتی که وی به حد بلوغ و رشد نرسیده، اذن حاکم شرع و احراز غبطه و مصلحت در چنین ازدواج‌هایی شرط شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

بحث و بررسی موضوع ازدواج سرپرست خانواده با فرزند خوانده می‌تواند از جنبه‌های عملی و نظری سودمند باشد. از لحاظ عملی به دلیل این که از یک طرف سیر تحولات اقتصادی و اجتماعی، رشد صنعت توریسم و تجارت بین‌الملل موجب گسترش مراودات بین‌المللی گردیده است و از طرف دیگر، میلیون‌ها افغانی، عراقی و اتباع سایر کشورها در میهن عزیز ما ایران، به‌عنوان مهاجر و پناهنده حضور دارند. موارد مذکور ضرورت عملی تدوین مقررات جامع و منسجم و نوینی در مورد مسائل مربوط به بیگانگان (از جمله موضوع مذکور) را، آشکارتر می‌سازد. از جنبه نظری نیز موضوع حائز اهمیت است

زیرا حقوق موضوعه ایران در مورد قانون حاکم بر فرزند خواندگی اتباع خارجه قطع نظر از برخی کلیات ، ساکت است ، و موضوع مذکور در کتب و مقالات حقوقی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

از نظر روانشناسان، خانواده کانون التیام و هویت بخشی است و این بدان معنا است که فرزندان و اعضای خانواده در این کانون امن زخم های خود را شفا می بخشند و از یکدیگر در مرهم بخشی به دردهای درون و برون کمک می طلبند. حال اگر در خانواده ای که از نظر شرعی پدر خانواده مجاز است از نوزاد هم لذت ببرد و اتفاقاً این نوزاد فرزندخوانده او نیز هست و بر اساس تصویب لایحه اجازه ازدواج با فرزندخوانده مجاز است نوزاد را به عقد خود در آورد. در این صورت طفل معصوم چگونه می تواند از کسی که به جان و روح او آسیب می رساند انتظار التیام زخم داشته باشد؟ چنانچه کودکان به دلیل فقدان و یا عدم امکان زندگی با پدر و مادرهای زیستی خود از داشتن محیط امن و گرم خانواده مدتی محروم بوده و مدتی نیز در شرایطی سخت در اماکن نگهداری زندگی کرده اند و زن و شوهرهای فاقد توان باروری نیز با شیخ طلاق بر سر زندگی خود مدتی را سرکرده تا توانسته اند متقاعد به پذیرش فرزندخوانده شوند، لذا هر دو زخم خورده بوده و نیاز به آرامش و امنیت دارند. این لایحه با باز گذاشتن دست پدر در دست درازی جنسی به دخترکی که قرار است فرزند او باشد در قالب همسر، در واقع زخم تازه و عمیق تری را بر پیکر دختر بی پناهی که به دنبال محیط فاقد تنش و سرشار از عشق والدین است وارد می سازد و زن را نیز، که فرزند را عامل مستحکم تر کردن پیوندش با همسر می دانست با این ترس رو به رو می کند که همین دختر عامل جدایی او از همسرش خواهد شد، لذا ترجیح می دهد دختری را به فرزندی نپذیرد و داغ طلاق را بر پیکر زندگی خود ترجیح دهد. در این صورت رویای فرزند شدن کودک محتاج پدر و مادر و آشیانه زنی که با آمدن فرزند خوانده بنا بود حفظ شود با این قانون به راحتی به باد فنا خواهد رفت(صفایی، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

هدفهای تحقیق

هدف کلی :

بررسی ازدواج سرپرست با فرزند خوانده

اهداف جزئی :

- ۱- بررسی فقهی ازدواج سرپرست با فرزند خوانده
- ۲- بررسی حقوقی ازدواج سرپرست با فرزند خوانده

سوالات یا فرضیه های تحقیق

- ۱- ازدواج سرپرست با فرزند خوانده از دیدگاه فقهی دارای اشکال است.
- ۲- ازدواج سرپرست با فرزند خوانده از دیدگاه حقوقی قانونی می باشد.

چهارچوب نظری تحقیق :

در نظام حقوقی اسلام، نَسَب منحصرأً از طریق ولادت مشروع ایجاد می شود، بنابراین فرزندخواندگی باعث ایجاد نسب قراردادی نمی شود. خانواده‌های فاقد فرزند تحت ضوابط و شرایطی می توانند کودکان بی سرپرست را سرپرستی نمایند، بدون آنکه آثار ناشی از قرابت نسبی، از قبیل ارث و حرمت نکاح بین آنها ایجاد شود. قانون مدنی ایران به پیروی از شریعت اسلام و فقه، فرزندخواندگی را به رسمیت نشناخته و فقط طبق قانون حمایت از کودکان بی سرپرست (مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۳) خانواده‌های فاقد

فرزند می‌توانند کودکان بی‌سرپرست را به فرزندپذیری بپذیرند. بنابراین در ایران، فرزندخواندگی به مفهومی که در کشورهای غربی به کار می‌رود، وجود ندارد. (واعظ، ۱۳۸۲: ۹۰)

در سال ۱۳۹۲، مسئله‌ی ازدواج با فرزند خوانده در محافل رسمی ایران و شبکه‌های اجتماعی ایرانیان به موضوعی داغ تبدیل شد. شورای نگهبان در راستای نزدیک کردن این لایحه به اصول شرع (طبق روایت حقوق دانان و فقهای این شورا از شرع) و برخلاف نظر بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اصلاح لایحه کودکان بی‌سرپرست اقدام نمود که طی آن ازدواج سرپرست با فرزند خوانده مجاز شمرده می‌شود. عده قابل توجهی از مخالفین و منتقدین خصوصاً گروه‌های فمینیستی و حقوق زنان و کودکان به مخالفت با این قانون جدید برخاسته و حتی مشروط کردن اجازه ازدواج به حکم دادگاه را غیر انسانی و غیر اخلاقی دانستند. در میان واکنش‌ها علیه این اصلاح قانون، آیت الله مکارم شیرازی از مجتهدین شیعه در ایران در پاسخ به یک استفتاء نکاح با فرزند خوانده را غیر مجاز دانست. طبق نظر ایشان: "با توجه به این‌که این ازدواج باید شرعاً به مصلحت فرزند خوانده باشد و به اصطلاح فقها، غبطه او رعایت شود و این کار غالباً به مصلحت فرزند خوانده نیست و راه را برای سوء استفاده پدر خوانده باز می‌کند از نظر ما شرعاً جایز نیست." (مصفا، ۱۳۸۳: ۴۳)

در نخستین مصوبه، اصلاحیه لایحه ازدواج سرپرست با فرزندخوانده ممنوع شده بود اما در دومین مصوبه که در اولین روز اسفند ۹۱ در مجلس به تصویب رسید تبصره ماده ۲۷ به این صورت اصلاح شد: «ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.» با اینکه قانونگذار تعیین صلاحیت را به دادگاه سپرده، باز هم تصور اینکه چنین ازدواجی مطرح است، منافع کودک را به خطر می‌اندازد در صورتی که قرار است کودک با فرزندخواندگی در شرایط ایمن باشد. سوال دیگر این است که دادگاه با چه مصلحتی چنین تصمیمی می‌گیرد؟ اگر سرپرست بدون رای دادگاه چنین ازدواجی انجام داد حکم این ازدواج چیست؟ ضمانت اجرای این قانون چه خواهد بود؟ وقتی

ماهیت قانونی رابطه عاری از شایبه ارتباط جنسی است و هدفش قداست دادن به رابطه مادر و پدر- فرزندی است چطور تبصره ای را که ناقض خود است حمل می کند. چطور ممکن است کسی در یک قانون هم والد باشد و هم همسر. نمی توان در یک قانون هر دو را متصور شد. کسی که در زمان پذیرش یک فرزند در اعماق ذهنش تصور همسرگزینی از او را دارد، پس به هیچ وجه شایسته نیست نام پدر یا فرزند را بپذیرد. از دیدگاه روانشناسی این فرزندخواندگی نزدیک ترین شباهت را به رابطه والدین و فرزند داشته باشد در حالی که این تبصره تصور زنای با محارم را ایجاد می کند و موجب تعجب است که چنین تبصره ای در قانونی آورده می شود که حامی خانواده و سرپرستی کودک است. (غمامی، ۱۳۷۶: ۹۳)

جنبه جدید و نوآوری بودن:

این تحقیق مساله ازدواج سرپرست خانواده با فرزند خوانده را در مذاهب پنجگانه اسلامی و به صورت تطبیقی و مقایسه ای بررسی می کند. تاکنون هیچ تحقیق دانشگاهی به این صورت در این زمینه صورت نگرفته است. بنابراین می توان گفت که یک پژوهش جدید و نو بوده و می تواند به تحقیقات آتی در این زمینه کمک نماید.

روش تحقیق

روشی که برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است روش کتابخانه ای (توصیفی تحلیلی) است که با مراجعه به کتابخانه ها و فیش برداری از منابع مطالعاتی معتبر موجود و استفاده از نظر فقها و مراجع عظام و همچنین دیدگاه های حقوقی و روانشناسی این پژوهش انجام گرفته است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نتایج بدست آمده از پژوهش و مقایسه آنها با نظرات فقها و نظریه های دکترین حقوق صورت می گیرد.

متغیرها و واژه های کلیدی

تعریف مفهومی فرزندخوانده : فرزندخوانده به کسی گویند که دیگری (غیر از پدر و مادر واقعی) او را به فرزند پذیرفته باشد.

تعریف مفهومی فرزندخواندگی : فرزندخواندگی به فرآیندی اطلاق می گردد که در آن یک کودک از سوی یک زن و شوهر که والدین بیولوژیک (زیستی) او نیستند ولی قانوناً والدین او شمرده می شوند در خانواده پذیرفته می شود.

تعریف مفهومی ازدواج : ازدواج عبارت از فرایند علاقمندی، کشش جسمی، جنسی، روانی و به دنبال آن فراهم سازی شرایط اقتصادی، اجتماعی، علمی، شغلی، خانوادگی، شخصی دو جنس مخالف (زن و مرد یا دختر و پسر) در جهت ایجاد یک زندگی مشترک توأم با تفاهم، محبت، پویایی، زاینده‌گی، و هدفمند که در راس آن بیشترین تأثیرات را مذهب و اعتقاد و دین دو طرف دارد.

فصل اول :

کلیات